

رابطه حزب پان ایرانیست با جبهه ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

محمدرضا علم*

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید چمران اهواز

محمد افسری راد

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز

(از ص ۳۷ تا ۵۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

رابطه حزب پان ایرانیست با جبهه ملی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سرفصل‌های مهم در ادوار فعالیت این حزب می‌باشد. این حزب که اساس تشکیل آن بر مسائل هویت ملی، ناسیونالیسم و جلوگیری از نفوذ بیگانه مبتنی بود، مسئله نفت را مهم‌ترین مسئله کشور در زمان خود می‌دانست و به همین دلیل با جبهه ملی به همکاری پرداخت. رابطه حزب پان ایرانیست با جبهه ملی در دو سطح قابل بررسی است: الف) حمایت آشکار و فراگیر، ب) مخالفت و جدایی. سؤال مهم این است که زمینه‌ها و دلایل این رفتار سیاسی متفاوت چیست؟ ظاهراً این تغییر رویکرد، تحت تأثیر دو آرمان حزبی حزب پان ایرانیست یعنی ناسیونالیسم و پادشاهی قرار داشت. ناسیونالیسم، وجه مشترک نزدیکی سیاسی و سرنوشت سنت پادشاهی دیرین ایرانی، نقطه اختلاف این دو جریان با هم بود. مسائل دیگری نیز در گسترش اختلافات فی‌مابین نقش داشتند: مانند رفتار سیاسی دکتر مصدق در برخورد با مخالفین به‌ویژه حزب توده، فعالیت دولت‌های انگلستان و آمریکا و مسائل داخلی جبهه مانند رابطه دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی.

واژه‌های کلیدی: حزب پان ایرانیست، جبهه ملی، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲،

دکتر محمد مصدق

* رابانامه نویسنده مسئول: mralam36@yahoo.com

۱. مقدمه

سازمان پان‌ایرانیست مانند بسیاری از احزاب دیگر، پس از تحولات شهریور ۱۳۲۰ وارد عرصه فعالیت سیاسی شد. این حزب در واقع زاینده اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایران پس شهریور ۱۳۲۰ بود. عوامل شکل‌گیری این سازمان را می‌توان به صورت خلاصه با حضور کشورهای شوروی، انگلستان و آمریکا در ایران، فعالیت‌های حزب توده، بروز احساسات ملی‌گرایی [بعضاً] افراطی و رواج مشی تجزیه‌طلبی و استقلال‌خواهی به خصوص در شمال کشور، مرتبط دانست. در اواخر سال ۱۳۳۰ حزب پان‌ایرانیست از دل سازمان پان‌ایرانیست^۱ تشکیل شد. تشکیل و فعالیت حزب پان‌ایرانیست با یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ کشور یعنی دوران ملی شدن صنعت نفت و سپس نخست‌وزیری مصدق همراه بود. حزب پان‌ایرانیست از ملی شدن صنعت نفت به عنوان اقدامی در جهت کوتاه کردن دست استعمارگران و حمایت از منافع ملی پشتیبانی کرد و در نشریات خود به تمجید از این اقدام دکتر مصدق پرداخت. مطالعه ایدئولوژی حزب درباره سیاست خارجی، از همسویی این سیاست با حضور حزب در جریان‌ات مربوط به ملی شدن صنعت نفت نشان دارد.

در زمینه سیاست داخلی، حزب پان‌ایرانیست در دوره فعالیت خود - اواخر سال ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - با سایر احزاب و سازمان‌های سیاسی ارتباط داشت. این ارتباط در راستای اهداف حزب و یا مواضع موافق و مخالف در قبال برخی تحولات و اتفاقات بوده است و به شکل: ۱. رابطه مسالمت‌آمیز و دوستانه و ۲. برخورد و درگیری، بوده است. جبهه ملی، حزب توده، حزب سومکا و... از جمله احزاب و گروه‌هایی بودند که در ارتباط بیشتر با حزب پان‌ایرانیست قرار داشتند.

رهبران حزب از آغاز ملی شدن صنعت نفت تا پیروزی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نخست‌وزیری مجدد مصدق، از وی و اقداماتش حمایت کردند و این حمایت را به صورت شرکت در تظاهرات، برگزاری سخنرانی‌ها، انتشار نشریات و اعلامیه‌ها نشان دادند. در روزنامه‌ها و نشریات خود نیز در طرفداری از مصدق، قلم‌فرسایی می‌کردند. همچنین با احزاب جبهه ملی چون حزب ایران و حزب زحمتکشان در ارتباط بودند و با آنان همکاری می‌کردند. اما پس از واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱، حزب پان‌ایرانیست روش خود را در مقابل مصدق و بالتبع جبهه ملی تغییر داد و در نشریات خود انتقاداتی به مصدق وارد نمود. این امر باعث وارد شدن خدشه به چهره حزب شد و بر شدت اختلافات بین حزب پان‌ایرانیست

و حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیست، افزود. در این جا طرح این پرسش ضروری است که حزب پان ایرانیست که مدعی مبارزه با بیگانگان و قطع دست آنان از منافع کشور بود، چرا از مصدق که نماد استعمارشکنی و بیگانه‌ستیزی بود، روی‌گردان شد؟ و آیا درست نبود که به جای شعارهای افراطی و دور از واقعیت ضمن همراهی با دولت، به رفع مشکلات داخلی و خارجی کشور کمک می‌نمود؟ شاید بتوان مهم‌ترین علت روی‌گردانی حزب پان ایرانیست از مصدق را مخالفت وی با شخص شاه و رو در رو قرارگرفتن این دو دانست. موارد دیگری که در همین رابطه قابل بررسی و دقت می‌باشد عبارتند از: فعالیت‌های حزب توده و عدم برخورد جدی دکتر مصدق با آن، اختلافات ایجاد شده میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، مواضع دکتر مصدق در قبال عاملین و مسببین کشتار ۳۰ تیر و بالاخره نقش کشورهای خارجی مانند آمریکا و انگلستان.

حزب پان ایرانیست پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، به طور آشکاری مواضع خود را نسبت به جبهه ملی تغییر داد. در نشریات خود (ساسانی و ندای پان ایرانیست) به انتقاد از سیاست‌های مصدق در قبال حزب توده، قوام‌السلطنه و رابطه با آمریکا می‌پرداخت. در ادامه همین روند، حزب در تمام توطئه‌ها و دسیسه‌هایی که سرانجام به سقوط دولت دکتر مصدق انجامید، نه تنها اقدامی در دفاع از مصدق نکرد، که در بعضی موارد به اقداماتی در جهت تضعیف وی دست زد. ایجاد درگیری با حزب توده برای متشنج کردن اوضاع و نشان دادن عدم توانایی دولت برای آرام کردن وضع کشور، پاره‌ای از این اقدامات بودند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع مورد بررسی در مقاله حاضر، اثر خاصی به رشته تحریر درنیامده است. با این حال منابع اندکی وجود دارند که اختصاصاً به موضوع حزب پان ایرانیست و تحولات مرتبط با این حزب پرداخته‌اند. ناصر انقطاع به عنوان یک چهره پان ایرانیستی قدیمی، در کتاب «پنجاه سال با پان ایرانیست‌ها»، بخش‌های زیادی از تحولات حزب پان ایرانیست و سازمان‌های پان ایرانیستی را مورد بررسی قرار داده است؛ اساس این کتاب بر خاطرات نویسنده مبتنی است. حسین رزمجو در کتاب «حزب پان ایرانیست» برای نخستین بار به بررسی تحولات این حزب پرداخته است. مؤلف بیشتر به ساختار تشکیلاتی و سابقه مبارزاتی حزب پان ایرانیست نظر داشته است. شهلا بختیاری در کتاب «حزب پان ایرانیست به روایت اسناد ساواک» به جمع‌آوری و ارائه اسناد زیادی از حزب پان ایرانیست مبادرت کرده است. مظفر شاهدهی جدیدترین کار پژوهشی را درباره

حزب پان‌ایرانیست در قالب کتابی با عنوان «حزب پان‌ایرانیست (۱۳۸۸-۱۳۳۰)» ارائه کرده است. وی به صورت جامع به بررسی جنبه‌های مختلف سیاسی و تشکیلاتی حزب پان‌ایرانیست و همچنین سازمان‌های پان‌ایرانیستی پرداخته است. مؤلف برخی صفحات کتاب را در بخش اول، مخصوصاً به کیفیت رابطه حزب پان‌ایرانیست با جبهه ملی اختصاص داده است.

در کنار این منابع، باید از دو کتاب مفید دیگر نیز نام برد که اگر چه به مسئله ملی شدن صنعت نفت و سرنوشت دکتر مصدق و جبهه ملی پرداخته‌اند، مطالب و مستندات خوبی از رابطه احزاب مختلف با جبهه ملی ارائه داده‌اند؛ الف: «جنبش ملی شدن صنعت نفت» به قلم غلامرضا نجاتی و ب: «مصدق و کودتای ۲۸ مرداد» اثر مارک گازیورسکی (Mark J. Gasiorowski). گازیورسکی، حزب پان‌ایرانیست را به داشتن رابطه با شبکه بدامن متهم کرده و معتقد است این ارتباط و درگیری حزب پان‌ایرانیست با حزب توده، نقش مهمی در تضعیف دولت محمد مصدق داشته است.

خلاً موجود در این آثار همانا عدم ارائه تصویر جامع و مشخصی از رابطه حزب پان‌ایرانیست با جبهه ملی است. تعدادی از آثار اساساً به این موضوع توجه نکرده و تعدادی دیگر نیز در سطحی مختصر به آن اشاره داشته‌اند.

۳. روش پژوهش

در نگارش این مقاله، از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. در روش اسنادی، نویسنده از منابع موجود به ترتیب: کتاب، روزنامه‌های عمومی، روزنامه‌ها و نشریات حزبی و اسناد آرشیوی مرتبط با موضوع بهره برده است. در روش میدانی، شیوه نویسنده، مصاحبه به روش باز بوده است. مصاحبه با فعالان، سران کنونی حزب پان‌ایرانیست و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران صورت گرفته است. سپس با بررسی و مقایسه تطبیقی گفتگوهای انجام شده با هم و با مطالب مندرج در اسناد و کتب موجود، دقیق‌ترین و صحیح‌ترین اظهارنظرها نقل شده است.

۴. چگونگی تشکیل جبهه ملی

برای درک بهتر کیفیت رابطه حزب با جبهه ملی و ترسیم بهتر فضای مورد بحث، مختصری درباره روند شکل‌گیری و فعالیت جبهه ملی از آغاز تا کودتای ۲۸ مرداد بیان می‌شود:

نتیجه مذاکرات گس (Gass) - گلشائیان به صورت قرارداد الحاقی به قرارداد ۱۹۳۳ در ۲۶ تیر ۱۳۲۸ تنظیم و برای تصویب به مجلس پانزدهم تقدیم شد. در این قرارداد حق‌السهم درآمد ایران افزایش یافت و شرایط دیگری به سود ایران در آن گنجانده شد (متینی، نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر مصدق، ۱۹۸)، اما با تمهیدات عده‌ای چون حسین مکی، مظفر بقایی، حائری‌زاده و عبدالقدیر آزاد و... از تصویب این قرارداد تا پایان مجلس پانزدهم جلوگیری شد؛ (بزرگمهر، تقریرات مصدق در زندان، ۱۱۴) چرا که به قول فوران (John Foran) «با اجرای قرارداد نفتی نسبت به ایران اجحاف روا می‌شد» (فوران، مقاومت شکننده، ۴۲۴). مجلس پانزدهم در مردادماه ۱۳۲۸ خاتمه یافت و سرنوشت قرارداد الحاقی به مجلس بعد موکول شد، بنابراین لازم بود «که ترکیب مجلس شانزدهم به گونه‌ای باشد که تصویب قرارداد را تضمین کند» (زارعشاهی، علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران، ۱۲). انتخابات مجلس شانزدهم با تقلب زیادی برگزار شد و اعمال نفوذ در آن به قدری فاحش بود که حتی شاه «به وزیرکشور نوشت که این چه افتضاحی است که به پا گردیده است» (اسماعیلی، احزاب سیاسی ایران، ۱/ ۲۵۹). اعضای نظارت بر انتخابات نیز در اعتراض به فساد انتخابات جمعاً مستعفی شدند. در چنین اوضاعی «دکتر مصدق با تقاضای بقائی و مکی و... به صحنه سیاسی وارد شد و رهبری مخالفین انتخابات دوره شانزدهم مجلس را برعهده گرفت» (خامه‌ای، خاطرات سیاسی «پنجاه نفر و سه نفر»، ۷۷۲؛ نجمی، مصدق مبارز بزرگ، ۴۴). نتیجه اینکه مصدق به سرپرستی گروهی بیست نفری برای اعتراض در ۲۳ مهر در دربار متحصن شدند (قاسمی، تاریخچه جبهه ملی، ۴۷).

با وجود تلاش‌های حسین مکی برای هوشیار کردن متحصنین به وظیفه اصلی خود و شایعه‌پراکنی روزنامه‌ها (مکی، خلع ید، ۳/ ۴۴-۴۵) از این تحصن، نتیجه‌ای حاصل نشد و مصدق به ناچار دربار را ترک کرد و برای اقدام و راهبری کارها، راه دیگری انتخاب نمود و آن تشکیل جبهه ملی بود (باختر امروز، ۱۳۲۸: ۴-۱). جبهه ملی در روز ۱۰ آبان ۱۳۲۸ موجودیت خود را رسماً اعلام کرد. در بدو امر، اهداف آن مشتمل بود «بر آزادی مطبوعات، آزادی انتخابات و لغو مقررات حکومت نظامی، سپس به خواسته مردم، ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از عمال انگلیس را وجهه همت خود قرار داد.» (روزولت، کودتا در کودتا، ۹۳). با وجود اعلام همکاری بسیاری از احزاب و گروه‌ها با جبهه ملی، مهم‌ترین احزاب سیاسی که در آن عضو شدند، عبارت بودند از: حزب ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیست و حزب مردم ایران. «این

گروه از احزاب در سیاست خارجی طرفدار موازنه منفی و در سیاست داخلی خواستار حل مشکلات و معضلات مردم و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی بودند» (طیرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران، ۳۶).

نخستین حرکت سیاسی جبهه ملی، فراخواندن مردم برای حضور در تظاهرات بزرگ میدان بهارستان در ۱۸ بهمن ۱۳۲۸ بود که در طی آن مصدق درباره ابطال انتخابات گذشته تهران و مسائل دیگری چون نفت و... سخنرانی کرد (زعیم، جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ۸۲).

مواضع مختلف و متعدد احزاب و سازمان‌های عضو جبهه ملی در مقابل تصمیمات دکتر مصدق که به شدت تحت تأثیر منافع حزبی آنها قرار داشت، در عدم یکپارچگی و فروپاشی جبهه ملی نیز نقش اساسی داشت. اخلاق سیاسی دکتر مصدق که معتقد به آزادی سیاسی همه گروه‌ها و افراد در چهارچوب قانون بود، مخالفت و اعتراض شدیدی را از سوی احزاب عضو جبهه در پی داشت. اعتراض حزب پان‌ایرانیست محسن پزشکیور و حزب زحمتکشان مظفر بقائی به فعالیت وسیع حزب توده را، می‌توان نمونه‌ای از این دست اعتراض‌ها دانست که در ایجاد فاصله میان رهبری جبهه، احزاب فوق و سایر اعضا مؤثر بود.

۵. رابطه حزب پان‌ایرانیست با جبهه ملی

بر طبق یک تقسیم‌بندی، سیر جریان‌های جبهه ملی اول از تأسیس تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به دو دوره تقسیم می‌شود: «۱- از زمان تأسیس جبهه تا ۳۱ تیر ۱۳۳۱ با ویژگی همگرایی نیروهای موجود در ائتلاف جبهه ملی؛ ۲- از نخست‌وزیری مجدد مصدق تا کودتای ۲۸ مرداد با ویژگی واگرایی نیروهای سیاسی و عناصر موجود در ائتلاف جبهه ملی» (زارعشاهی، همان، ۱۴). در دوره اول، جبهه ملی از قدرت زیادی برخوردار بود و گروه‌ها و احزاب تشکیل دهنده، متحد و دوشادوش هم برای رسیدن به اهداف جبهه که در رأس آن ملی شدن صنعت نفت قرار داشت، تلاش می‌کردند. در دوره دوم دودستگی و اختلاف، از اتحاد عناصر جبهه ملی کاست و بسیاری از اعضا، بر اساس منافع شخصی و حزبی، راه خود را از جبهه و شخص مصدق جدا کرده بودند؛ برای نمونه بقائی، مکی، حائری‌زاده و نیز آیت‌الله کاشانی به مخالفت علنی با مصدق پرداختند.

در هر دو دوره فعالیت جبهه ملی، حزب پان‌ایرانیست با آن در ارتباط بود که در اینجا کیفیت این رابطه بررسی می‌شود:

زمانی که مردم ایران به رهبری دکتر مصدق، مبارزات خود را برای ملی کردن صنعت نفت آغاز کردند و سرانجام موفق شدند در اسفند ۱۳۲۹ صنعت نفت را ملی کنند، پان ایرانیست‌ها نیز مانند برخی از گروه‌های دیگر از این حرکت مصدق پشتیبانی کردند و در روزنامه‌های خود (ساسانی - ندای پان ایرانیست)، با درج مقالات و سرمقالاتی به تمجید و پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت پرداخته و آن را باز کردن بند صد و پنجاه ساله اسارات و بندگی و نشانه استقلال و بیداری ملت ایران دانستند (ن.ک: روزنامه ساسانی، شماره ۲۳، ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، ۳؛ روزنامه ندای پان ایرانیست، شماره ۲۶، ۲۹ مهر ۱۳۳۱، ص ۴).

در این دوران افراد حزب پان ایرانیست در قالب مکتب فعالیت می‌کردند:

«به هنگام تشکیل جبهه ملی با این جبهه همکاری و کلیه برنامه‌ها و اقدامات آن به ویژه مسئله ملی شدن صنعت نفت را در سراسر ایران تأیید و با روی کار آمدن مصدق، در زمره احزاب طرفدار دولت وقت محسوب می‌شدند.» (شاهدی، حزب پان ایرانیست «۱۳۳۰-۱۳۳۸»، ص ۳۱-۳۲؛ آشوری، دانشنامه سیاسی، ۸۷)

علت پشتیبانی پان ایرانیست‌ها از ملی شدن صنعت نفت این بود که آنان از دیدگاه ناسیونالیستی حرکت ملی شدن صنعت نفت را تحلیل و بررسی می‌کردند (رزمجو، همان، ۳۶). همچنین از نظر آنان جنبش ملی شدن نفت نه تنها مبارزه‌ای برای خلع ید از شرکت سابق نفت بود، بلکه مبارزه و قیام مردم این سرزمین برضد هرگونه نفوذ بیگانه و استعمار بود.» (نشریه ساسانی، ۱۳۲۹: ۱-۳)

محسن پزشکیور و داریوش فروهر به عنوان رهبران برجسته پان ایرانیست‌ها، که با طرح شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران به حمایت از جبهه ملی برخاسته بودند، به گفته خودشان «حزبشان در نهضت عظیم ملی شدن نفت، نقش هدایت کننده داشت و برای جلوگیری از انحرافات، سخت کوشیدند.» (نشریه خاک و خون، ۱۳۴۵: ۱) آنان مدعی بودند که قبل از ملی شدن نفت در اسفند ۱۳۲۹، این قضیه را مطرح نمودند و در بهمن ۱۳۲۸ در تظاهراتی که توسط اعضای مکتب به نام دانشجویان ناسیونالیست برگزار شد، مسئله نفت مطرح و از این اقدام حمایت شد (مصاحبه با هوشنگ طالع، ۱۹ / ۴ / ۱۳۸۷). همچنین محسن پزشکیور مدعی است که آنجا در طی نطقی اعلام کرده که قرارداد نفت را پاره شده دانسته است (کیانفر، زمان‌های سوخته، ۳۷۲). باید توجه داشت که هرچند حزب پان ایرانیست از مصدق و اقدامات وی در زمینه ملی شدن نفت حمایت و با احزاب و گروه‌های عضو جبهه ملی به ویژه حزب ایران و حزب زحمتکشان همکاری می‌کرد،

هنگام تشکیل جبهه ملی جزء اعضای رسمی آن درنیامد (گازیوروسکی: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ۱۲).

زمانی که لایحه ملی شدن صنعت نفت به تصویب رسید، انگلیس که دست خود را از منافع نفتی ایران کوتاه شده می‌دید، با مذاکره با دولت مصدق، سعی در حل و فصل موضوع به نفع خود داشت، اما مذاکرات بین شرکت نفت و مصدق نتیجه‌ای نداشت؛ لذا دولت آمریکا برای جلوگیری از بن‌بست مذاکرات و یافتن راه‌حل مورد قبول طرفین به نحوی که منافع کمپانی‌های بزرگ نفتی آمریکا نیز محفوظ بماند، درصدد واسطت برآمد و بدین‌منظور آورل هریمن (William Averell Harriman) را به ایران فرستاد. در نتیجه مذاکرات هریمن با دولت ایران، دولت انگلستان هیأتی به ریاست استوکس (Stokes) در ۲ مرداد ۱۳۳۰ به ایران فرستاد.

حزب پان‌ایرانیست که شعار خود را مبارزه با استعمارگران انگلیس و آمریکا قرار داده بود و این دو کشور را دشمن ایران می‌دانست، نسبت به حضور این دو شخص واکنش نشان داد و در این باره مطالب فراوانی در نشریات متعلق به خود نوشت (نشریه ساسانی، ۱۳۳۰: ۱ و نشریه ندای پان‌ایرانیست، شماره ۲۶، مهر ۱۳۳۱: ۴). این موضع‌گیری در ارتباط نزدیک با تئوری حزب در زمینه روابط خارجی قرار داشت. رهبران پان‌ایرانیست معتقد بودند که کشورهای خارجی فقط بر اساس منافعشان دوست ما هستند و اگر منافع ما با منافع آنان برخورد داشته باشد، آنان از منافع خود نمی‌گذرند و به صورت دشمن درمی‌آیند. ما باید با بیگانگان تا آنجا که به سود ملی آسیبی نرساند، در پیوند دوستی باشیم (انقطاع، پنجاه سال با پان‌ایرانیست‌ها، ۲۰). در این بُعد ملاک دوستی و مودت با کشورها را هماهنگی آنها با مصالح و موجودیت و آرمان‌های ملت قرار داده و هرگونه زورگویی و حکومت جابرانه ملتی بر ملتی دیگر را به شدت محکوم می‌کنند و وجود هرگونه رابطه را که حاکی از استقرار سلطه ملتی بر زندگی ملتی دیگر باشد، نموداری از استقرار نظامات استعماری می‌شناسند (رزمجو، حزب پان‌ایرانیست، ۱۱۵).

بنابراین افراد حزب معتقد بودند که باید به وسیله‌ای از مصدق حمایت کرد و او را یاری نمود و در اعلامیه‌های خود از یاران و طرفداران پان‌ایرانیست این‌گونه می‌خواستند: «در هر کجا که هستید، با دشمنان مصدق مبارزه کنید با زبان، با قلم، با مشت، با تظاهرات به هر وسیله که می‌توانید حمایت قاطع حزب را از دکتر مصدق اعلام دارید.» (نشریه ندای پان‌ایرانیست شماره ۴۲، آبان ۱۳۳۱: ۱)

حمایت حزب پان ایرانیست از مصدق و ملی شدن نفت، تنها محدود به تهران نبود بلکه شعب این حزب در شهرستان‌ها نیز هماهنگ با تهران اقداماتی شامل تظاهرات، گردهمایی، پخش نشریات و اعلامیه به طرفداری از مصدق و مبارزه با مخالفانی چون حزب توده انجام دادند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی. سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۹). به عنوان مثال در ۳۰ اسفند ۱۳۳۰ در جلسه‌ای که در منزل خسرو مفیدی، سرپرست گروه پان ایرانیست بهشهر تشکیل شد، آقایان بیاتی، دارابیان و افراد دیگری از ساری حضور داشتند، آقای بیاتی درباره پشتیبانی از دولت ملی دکتر مصدق سخنرانی کرد؛ شعار این حزب که در این جلسه بیان شد، عبارت بود از «شاه‌دوستی و میهن‌پرستی و قطع ایادی بیگانه» (سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۲۹۷۰). همچنین در اهواز در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۱، عده‌ای از افراد حزب پان ایرانیست در مطب دکتر حسین طیب، رئیس شاخه خوزستان، تجمع و به مناسبت میلاد حضرت مهدی جشنی برپا کردند و سپس در ساعت ۲۰ افراد مزبور به حرکت درآمده و جلوی سینما پارس واقع در خیابان پهلوی توقف و با شعار زنده‌باد مصدق استعمارشکن و حضرت آیت‌الله کاشانی، زنده‌باد شاهنشاه محبوب ایران و جبهه ملی دین اسلام، پشتیبانی خود را از جبهه ملی اعلام نمودند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۹). طرفداری از جبهه ملی و اقدامات مصدق از سوی حزب پان ایرانیست ادامه داشت و جزو بارزترین فعالیت‌های حزب در این دوره بود. درگیری‌های خیابانی در مقابل مخالفان مصدق، به ویژه حزب توده، مهم‌ترین جنبه حرکت پان ایرانیست‌ها بوده است، چرا که آنان این طرفداری را به سبب آرمان وطن‌خواهانه مصدق ضروری و وظیفه خود می‌دانستند (بختیاری، حزب پان ایرانیست به روایت اسناد، ۶۵).

باشکوه‌ترین اقدام حزب پان ایرانیست در طرفداری از مصدق حضور و پشتیبانی آنان از وی در واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بود. هنگامی که مصدق در روز ۲۶ تیر استعفا داد و قوام به نخست‌وزیری منصوب شد، حزب پان ایرانیست به همراه دیگر پشتیبانان مصدق به خیابان‌ها آمده و ضمن تظاهرات، خواهان بازگشت مصدق به قدرت شدند. این حضور و حمایت که در روزهای بعد نیز در میدان بهارستان ادامه یافت، به دخالت نیروهای شهربانی منجر و باعث کشته شدن یکی از اعضای پان ایرانیست شد (نشریه باختر امروز، شماره ۸۶۵، سال ۱۳۳۱: ۷). روز ۳۰ تیر نیز این حضور ادامه یافت؛ در این روز جمعیت بزرگی از اقشار مختلف مردم در کنار هم و دوستانه تظاهرات می‌کردند و روزنامه‌های شاهد (ارگان زحمتکشان)، پرچمدار (ارگان پان ایرانیست) و جوانان دموکرات (ارگان چپی‌های

افراطی) باهم به فروش می‌رفت (نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ۲۲۸). حزب پان‌ایرانیست نیز به صورت فعال و با تمام قوا در این تظاهرات شرکت کرد، نیروهای پایگاه دبیرستان البرز به همراه دیگر پایگاه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی چون پایگاه‌های قلهک، تجریش، شمیران و... در میدان بهارستان مستقر شده بودند که فرماندهی میدان بهارستان با داریوش پروین مسئول پایگاه البرز بود. در سبزه میدان، فرماندهی با عباس روحبخش و در میدان توپخانه با جلال پسیان و محمدعلی معدلت بود. نخستین فرد از حزب پان‌ایرانیست که در این روز کشته شد، هوشنگ رحمت‌الله رضیان از اعضای سازمان اصناف و پیشه‌وران این حزب در بازار بود. از دیگر اعضای حزب که در این روز کشته شدند، محمدسرنودی‌نژاد بود (مصاحبه با هوشنگ طالع، ۱۳۸۷/۴/۲۱).

مجله تهران مصور در توضیح این فعالیت پان‌ایرانیست‌ها نوشت:

«در تهران روز خون بود. اولین حادثه ناگوار از جلوی مجلس شروع شد ساعت ۸ صبح عده‌ای از مردم در حالی که جنازه مردی را که نیم ساعت قبل جلوی بازار شهید شده بود، روی دست داشتند و پیراهن خون‌آلود او را روی چوب بلند کرده بودند، به طرف مجلس می‌رفتند. پان‌ایرانیست‌های حزب ملت ایران، مرگ بر قوام می‌گفتند و عده‌ای از جوانان پان‌ایرانیست که بازوبند مخصوص به بازو داشتند و در صف مقدم بودند با مشت‌های گره کرده به جنگ سر نیزه می‌رفتند» (تهران مصور سال ۱۳۳۱، ص ۳ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسناد احزاب سیاسی در ایران، ۱۳۶۷/۳۱).

جوانان پان‌ایرانیست در میان کارگران نیز در طی اعلامیه‌ای طرفداری خود را از دکتر مصدق اعلام نموده و خواهان ابقای او در مقام نخست‌وزیری شدند و اعلام کردند که تا آخرین قطره خون خود از مصدق حمایت می‌کنند (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۱۵۱۳۵۶۱۷). دکتر شایگان در مقاله‌ای در روزنامه باختر امروز نوشت:

«هرکس بخواهد صادقانه تاریخچه انقلاب ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را بنویسد، قطعاً باید مساعی احزاب خصوصاً زحمتکشان ملت ایران، حزب ایران، حزب مسلمانان مجاهد و جوانان پرشور پان‌ایرانیست و کمیته جوانان بازرگان و اصناف و بازار و بزرگترین و مؤثرترین جماعات یعنی بازار تهران را چنان که باید شرح دهد و زحمات آنها را درست بر مردم روشن کند.»

در شهرستان‌ها نیز اعضای حزب پان‌ایرانیست هماهنگ با مرکز، به خیابان‌ها ریختند و ضمن تظاهرات، تنفر خود را از قوام و استعمارگران بیان کردند. نمونه‌هایی از این دست فعالیت‌ها به شرح زیر می‌باشد: در روز ۲۷ تیر ۱۳۳۱: پنجاه هزار نفر در مشهد ازدحام کرده و تظاهرات عظیمی به راه انداختند. جمعیت‌های اسلامی، حزب ایران، کلوپ مصدق، سازمان مردان مبارز، طرفداران حزب زحمتکشان، پان‌ایرانیست، اتحادیه

جوانان و سایر دسته‌جات یک‌صدا و یک‌جهت بازگشت مصدق را تقاضا نمودند (نشریه باختر امروز، شماره ۸۶۵، سال ۱۳۳۱: ۸)؛ در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱: «مشهد وضع غیرعادی داشت و همه‌جا سرباز و پلیس مستقر شده بود، در ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر متینگ باشکوهی از طرف ملیون خراسانی، جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی، حزب ایران، کلپ مصدق، حزب پان ایرانیست و... در میدان شاه برپا بود؛ قریب ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف در این تظاهرات شرکت داشتند و همگی پشتیبانی و ابراز تمایل خود را نسبت به جناب مصدق و ادامه مبارزه اعلام کردند (ادیب هروی، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، ۴۷۹-۴۸۰)؛ در شهرهای خوزستان نیز در ۳۰ تیر تظاهرات باشکوهی با رهبری پان ایرانیست‌ها به راه افتاد و پس از تهران شمار کشته‌شدگان شهر اهواز بیشتر از دیگر مناطق کشور بود (نشریه ندای پان ایرانیست، شماره ۱۸، مرداد ۱۳۳۱: ۱). دکتر حسین طبیب، سرپرست تشکیلات حزب در خوزستان به گونه‌ای رسمی خواستار گسیل هیأتی از تهران برای رسیدگی به این جنایت شد و به دنبال تشکیل هیأت بازرسی برای رسیدگی به رخداد ۳۰ تیر در اهواز، وی در نامه‌ایی سرگشاده اعلام داشت که هیأت محترم بازرسی محترماً در تعقیب اعلامیه ۱۲ مرداد ۱۳۳۱ آن هیأت، درخواست‌های دیگری نیز دارد که آنها را متعاقباً به اطلاع خواهد رساند (نشریه ندای پان ایرانیست، شماره ۱۸، مرداد ۱۳۳۱: ۲ و مصاحبه با ناصر تکمیل همایون: ۱۳ / ۳ / ۱۳۸۷)؛ در قزوین نیز حزب پان ایرانیست به مناسبت استعفای مصدق به همراه دیگر گروه‌ها و دسته‌جات در محل تلگراف‌خانه تحصن و پشتیبانی خود را از مصدق ابراز کرد. متحصنین در طی تلگرافی خواسته خود را مبنی بر نخست‌وزیری مصدق به مجلس اعلام نمودند. نماینده پان ایرانیست‌ها در این تحصن آقای حسینی بود (نشریه باختر امروز، شماره ۸۶۵، سال ۱۳۳۱: ۳). در دیگر شهرهای کشور چون تبریز، ارومیه، اصفهان و ساوه، زاهدان، رودسر، بروجرد، خرم‌آباد، همدان و... نیز، حزب پان ایرانیست در راستای دفاع از مصدق فعالیت می‌کرد (مصاحبه با هوشنگ طالع، ۱۳۸۷ / ۶ / ۲۱). سرانجام در اثر مقاومت و پشتیبانی مردم و هدایت احزاب، شاه و هم‌دستانش تسلیم شده و مصدق دوباره به قدرت رسید. حزب پان ایرانیست، در سراسر کشور شادمانی خود را از این موفقیت ابراز نموده ضمن اعلام تبریک به مصدق و ملت ایران، پشتیبانی خود را از وی اعلام کردند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسناد احزاب سیاسی در ایران: ۱۳۱). برای نمونه در مشهد در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۳۱ تظاهراتی متشکل از حزب پان ایرانیست، حزب ایران و کلپ مصدق برگزار شد که آقایان ابوالقاسم عسکری، احمد خیامی، حمید موسویان و

صادق بهداد در آن شرکت کردند و در طی قطعنامه‌ای ضمن اعلام پشتیبانی از مصدق، مجازات مسببین کشتار ۳۰ تیر، تصفیه ادارات و طرد برخی از رؤسا از جمله پیشکار دارایی خراسان (شمس‌الدین نخعی)، اجرای قانون سهم کشاورزان به منظور بهبود زندگی دهقانان را خواستار شدند (مرکز اسناد ملی، سند شماره ۸۷۵۱۰).

در هفتمین روز واقعه ۳۰ تیر، حزب پان‌ایرانیست به همراه دیگر احزاب و گروه‌ها مراسمی برپا کردند. از نمایندگان پان‌ایرانیست‌ها در این روز محسن پزشکپور و داریوش فروهر حضور داشتند (نشریه باختر امروز، شماره ۸۷۱، شهریور ۱۳۳۱: ۳). در چهلم واقعه ۳۰ تیر نیز حزب پان‌ایرانیست به همراه حزب زحمتکشان و حزب ایران در طی اعلامیه‌ای از مردم دعوت کردند بر سر خاک شهدا در ابن بابویه تجمع کنند (همان). مدیریت و انتظامات آیین بزرگداشت چهلم شهدا از سوی حزب زحمتکشان و حزب ایران، به حزب پان‌ایرانیست واگذار شده بود. تمرکز اصلی گروه پان‌ایرانیستی در انتظامات که با رهبری محمود امین‌صالحی همراه بود، ممانعت از حضور حزب توده و بهره‌برداری از این حرکت بود» (مصاحبه با ناصر تکمیل همایون: ۱۳/۳/۱۳۸۷). هوشنگ طالع، در شرح روز بزرگداشت چهلم شهدا می‌گوید:

«روز پنجشنبه ۶ شهریور ۱۳۳۱ از دبیرستان هدف به دفتر حزب در خیابان ژاله رفتم. دکتر فریور و مسئول تشکیلات به من مأموریت دادند که چند نفر از دوستان حزب را برداشته به دفتر حزب زحمتکشان بروم و عده‌ای را از آنجا با خود به ابن بابویه ببرم. شب را همان‌جا (ابن بابویه) ماندیم، کارها را مرتب کرده و بلندگوها را نصب نمودیم. صبح همه افراد از احزاب مختلف آمدند و کارها طبق قرار انجام شده بود.» (مصاحبه با هوشنگ طالع: ۱۳۸۷/۶/۲۱)

با تمام تلاش‌هایی که برای ممانعت از حضور حزب توده در آئین چهلم شهدا به عمل آمد، اعضای این حزب در فردای این روز دست به تظاهرات عظیمی زد که مورد اعتراض ملیون به مصدق شد (سنجایی، خاطرات سیاسی، ۱۵۳).

در کنار تلاش‌های علنی حزب پان‌ایرانیست برای حضور در صف جبهه ملی، روزنامه ندای پان‌ایرانیست، ارگان این حزب، با درج مقالات، ضمن تجلیل از شهدای سی تیر، هدف از این قیام را کوتاه کردن نفوذ اجنبی از کشور بیان می‌کند (نشریه ندای پان‌ایرانیست، شماره ۳۴، سال ۱۳۳۱: ۳). در سالروز قیام سی تیر در شهر خرمشهر تظاهرات باشکوهی از طرف حزب پان‌ایرانیست و دیگر احزاب و گروه‌ها جلوی فرمانداری برگزار شد که در این تظاهرات بار دیگر پشتیبانی از دکتر مصدق اعلام شد (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۶۲۱۳۵۱۷).

پان ایرانیست‌های رامهرمز نیز در نامه‌ای اعلام نمودند که همزمان با پان ایرانیست‌ها در تهران، پشتیبانی خود را از مصدق و ابقای دولت وی اعلام می‌کنند (همان، سندش ۹۱۳۵۵۱۷).

۶. زمینه‌های اختلاف و جدایی حزب پان ایرانیست از جبهه ملی

دوره دوم نخست‌وزیری مصدق با قیام سی تیر شروع شد. در این دوره اختلافات فاحشی با دوره قبل مشاهده می‌شود. مخالفت‌ها کم‌کم آشکار می‌شود و مخالفان شروع به دسیسه‌بازی و سپس جدایی می‌کنند. در این بین، حزب پان ایرانیست نیز دچار دودستگی و اختلاف شد. عده‌ای معتقد به ادامه همکاری و حمایت از مصدق بودند اما عده‌ای دیگر راه خود را از مصدق جدا کرده و «به سوی شاه و دربار» متمایل شدند (نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، ۴-۱۵۳). نمونه بارز این اختلاف، جدایی آشکار و نهایی پزشکیور و فروهر بود. گازپوروسکی، این انشعاب را از نتایج قیام سی تیر می‌داند (گازپوروسکی، همان، ۲۲). دسته‌ای که طرفدار محسن پزشکیور بودند به طرفداری از شاه پرداختند و به تدریج از مصدق کناره گرفتند، تا به آن حد که به صف مخالفان وی وارد شدند و شعار «هم شاه و هم مصدق» (کیانفر: همان، ۳۸) سر می‌دادند و با حمایت از شاه و دربار به راه خود ادامه دادند. همچنین در این دوره اتهام ارتباط با اشرف پهلوی و خط گرفتن از وی نیز متوجه پان ایرانیست‌های پزشکیوری بود (کیهان، ۸). از آنجایی که بنیان حزب بر عقاید ناسیونالیستی افراطی قرار داشت و دربار و سلطنت را مظهر عظمت ایران می‌دانست، نتوانست در کنار نهضت ملی که اصولاً ضد استعمار و مخالف سلطنت مطلقه بود و حق دخالت در امور مملکت را برای پادشاه قائل نبود قرار گیرد «(نجاتی، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، ۱۵۳). در تأیید این سخن باید یادآور شد که حزب پان ایرانیست از همان آغاز همراهی با ملی شدن صنعت نفت، هیچ‌گاه سخنی بر ضد شاه بر زبان نیاورد و همیشه در کنار شعارهای خود در طرفداری از مصدق، شاهدوستی و هواخواهی از خاندان شاهی را اعلام می‌نمود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۰۱۴۶۷۰۰۹). اساساً ناسیونالیسم و ایده‌های ایران بزرگ حزب پان ایرانیست، همواره با تمجید و وفاداری به نظام شاهنشاهی ایران عجین شده بود و در واقع، ناسیونالیسم مورد ادعای آنان با محوریت نظام شاهنشاهی معنا و مفهوم پیدا می‌کرد (شاهدی، همان: ۷۹).

دلیل دیگر، اختلاف در اهداف و روش‌های حزب با جبهه ملی بود. نهضت ملی و رهبری آن را طیف گوناگونی از افراد ضد امپریالیست، مشروطه‌خواه، دموکرات،

میهن پرست و سوسیالیست تشکیل می‌داد؛ اما، اینان ناسیونالیست به آن معنایی که منش پان‌ایرانیست بود، نبودند. نهضت ملی در طلب آزادی و استقلال کشور بود اما بیش از اندازه بر امپراطوری‌های ایران باستان تکیه نمی‌کرد، با فرهنگ زنده و پویای کشور بیگانه نبود، ولی قصد هم نداشت سرزمین‌های از دست‌رفته ایران را که اکنون یا مستقل بود و یا بخشی از اتحاد شوروی شده بود، مجدداً ضمیمه کشور کند. بنابراین پان‌ایرانیست‌ها چاره‌ای نداشتند جز آن که در برخی از هدف‌ها و شعارهایشان تجدیدنظر کنند و یا از نهضت ملی کنار بکشند (کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ۱۱۲).

حزب پان‌ایرانیست راه دوم را انتخاب و کم‌کم از مصدق کناره‌گیری کرد. به نظر می‌رسد فعالیت‌های حزب توده و روش مصدق در برخورد با این حزب نیز مؤثر بود. حزب پان‌ایرانیست که توده‌ای‌ها را خائن، جاسوس و دشمن دین و مملکت خود می‌دانستند و بارها در شعارهایشان به این امور اذعان نمودند، انتظار داشتند که دولت نیز نسبت به توده‌ای‌ها چنین روشی را اعمال کند و دست پان‌ایرانیست‌ها را در آزار و اذیت توده‌ای‌ها باز بگذارد و در درگیری‌های دو گروه، جانب حزب پان‌ایرانیست را بگیرد. عدم برآورده شدن چنین خواسته‌هایی از سوی دکتر مصدق موجبات ناراحتی و رنجیدگی حزب پان‌ایرانیست را فراهم آورد.

بعضی اقدامات و اختیارات مصدق از نظر حزب پان‌ایرانیست قابل قبول نبود. پزشکیپور در این باره می‌گوید:

«ما معتقد به برنامه‌های دیگر که منجر به براندازی نظام وقت شود در آن شرایط نبودیم. مثل میدان دادن به تبلیغات شدید علیه نظام مشروطه ایران، تقاضای اختیارات خلاف قانون اساسی، تشکیل کمیسیون ویژه قانون امنیت اجتماعی که این قانون سالب آزادی‌های فردی و اجتماعی و سیاسی بود و مقدمه‌ای شد برای استقرار آنچه خفقان اجتماعی نامیده می‌شد و نیز مثل معارضة با اختیارات و حضور مجلس شورای ملی که منجر شد به انحلال مجلس که به عقیده ما حضور هر مجلسی با همه نقایص و بدی‌های آن بهتر از نبود آن بود که بی‌گمان اگر مجلس حضور داشت، حوادث بدان‌گونه پیش نمی‌آمد» (رزمجو: همان، ۱۴۰-۱۴۱).

بعضاً بروز اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و مصدق و جدایی این دو از هم را باعث جدایی میان پان‌ایرانیست‌ها و جبهه ملی دانسته‌اند: «اختلاف بین مصدق و کاشانی، ناگزیر بر ترکیب گروه‌های وابسته به جبهه ملی تأثیر گذاشت و بخش عمده پان‌ایرانیست‌ها به رهبری فروهر علناً از مصدق حمایت کردند (عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ۴۲۰).

عامل مهم دیگر، نارضایتی از عملکرد مصدق در قبال «خائنین» و افراد نالایق و نیز مسببین کشتار سی تیر می‌باشد. پان‌ایرانیست‌ها به نخست‌وزیر خرده می‌گرفتند که

مخالفین را باید بی‌رحمانه سرکوب و خیانتکاران را نابود نماید (نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ۲۸۰)، اما مصدق با این رویه تند و افراطی موافق نبود و پیوسته طرفدار دموکراسی و آزادمنشی بود.

همچنین نباید از نقش دربار و کشورهای آمریکا و انگلیس غافل بود. مدت اندکی پس از واقعه سی تیر تحریکات دربار و استعمارگران انگلیس و آمریکا به صورت تجهیز دسته‌های ساتور به دست سومکا^۳ و پان‌ایرانیست، حزب زحمتکشان و چاقوکشان بنام ظاهر شد که به صورت علنی در خیابان‌ها به شرارت و ایداء مردم، حمله به سازمان‌های وابسته به حزب توده و نوشتن شعارهای شاه‌پرستانه بر دیوارها و... می‌پرداختند (جامی، گذشته چراغ راه آینده است، ۴۶۴). به احتمال بسیار، هدف از این نوع اقدامات و فعالیت‌ها از سوی احزاب فوق به چند دلیل باشد: الف): مشغول کردن عده‌ای از نیروهای حزب توده به درگیری‌های خیابانی؛ ب): دامن زدن به نگرانی‌ها و نشان دادن ضعف دولت در جهت تسلط بر اوضاع و ایجاد آرامش در کشور؛ ج): تقویت موقعیت برای به قدرت رسیدن دولت بعدی، با ایجاد بیم و هراس از حضور توده‌ای‌ها و نشان دادن ضعف دولت در برابر آنان؛ د): نشان دادن شاه‌دوستی نزد مردم ایران با شعارهای شاه‌پرستانه.

درباره نقش دربار و حتی شخص محمدرضا شاه، نجاتی، به عوامل رکن دوم ستاد ارتش، به تمایل محمدرضا شاه نسبت به پان‌ایرانیستها و عملیات آنان برضد عناصر حزب توده اشاره می‌کند (نجاتی، مصدق و سال‌های مبارزه و مقاومت، ۱۵۱؛ مهربان، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری انقلابی ایران، ۲۳ و ۹۱).

در مورد نقش آمریکا، شبکه بدامن^۴، مهم‌ترین نقش را داشت. این شبکه در تضعیف جبهه ملی، برانگیختن احزاب زحمتکشان و پان‌ایرانیست علیه مصدق، تفرقه انداختن بین احزاب مزبور و پرداخت پول به این گروه، فعالیت می‌کرد (گازبوروکی، کودتای ۲۸ مرداد، ۲۷). همچنین، نرون و سیلی برای بسیج بخشی از توده‌ای‌های بدلی، احتمالاً از طریق ارتباط با سران پان‌ایرانیست استفاده کردند. نقش پان‌ایرانیست‌ها در این زمینه بیشتر تحریک مردم و فتنه‌گری بود و آنها به منزله گروه ضربت عمل می‌کردند، به‌طوری‌که گویی توده‌ای (کمونیست) هستند و مساجد و روحانیون را سنگباران می‌کردند» (نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، ۴۱۶؛ کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ۱۷۴) برخی از اسناد نیز این فعالیت را متوجه بخشی از پان‌ایرانیست‌ها دانسته - پزشکیپوری‌ها و نه فروهری‌ها- که تنها می‌توانند دسته‌های خیابانی محدود و احتمالاً غیرمؤثر را فراهم نمایند (وطن‌دوست، اسناد سازمان سیا و کودتای ۲۸ مرداد، ۱۹۱)

نکته مهم دیگر در جدایی حزب پان‌ایرانیست از جبهه ملی و دکتر مصدق، کیفیت رابطه این حزب با برخی از احزاب قبل و بعد از تشکیل جبهه ملی بود. حزب پان‌ایرانیست با حزب ایران در راستای اهداف و آرمان‌های جبهه ملی فعالیت می‌کرد و نقطه عطف رابطه این دو حزب در تظاهرات ۱۴ بهمن ۱۳۲۷ در مخالفت با قرارداد ۱۹۳۳ بوده که در طی آن، پزشکپور و عطارد از جانب پان‌ایرانیست‌ها حضور داشتند (کوهستانی‌نژاد: حزب ایران و مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها، ۲۳۷).

در دوره نخست‌وزیری مصدق و مبارزات ملی شدن صنعت نفت، حزب پان‌ایرانیست با احزاب دیگر نظیر حزب زحمتکشان، که گروهی چپ و ضد کمونیست بود و پایگاهی بزرگ در میان طبقه کارگر داشت و در آن زمان توسط مظفر بقایی و خلیل ملکی پایه‌گذاری شده بود، همکاری می‌کرد (گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ۱۵۰). همکاری حزب پان‌ایرانیست با حزب زحمتکشان بسیار عمیق بود و در تمام درگیری‌هایی که با توده‌ای‌ها صورت می‌گرفت افراد و طرفداران دو حزب باهم بودند. در دوره دوم نخست‌وزیری مصدق نیز این دو حزب کم‌کم راه خود را از مصدق جدا کردند و به مخالفت با آن پرداختند. این دو گروه، رفتار مصدق نسبت به قوام و اموال وی را بهانه قرار دادند و از مصدق ایراد می‌گرفتند. در واقع، می‌توان گفت که این دو حزب دارای دیدگاه تقریباً مشابهی نسبت به مسائل بودند و با هرکس و هرچیزی که مخالف نظراتشان عمل می‌کرد مخالفت می‌کردند. آنچه مسلم است، رهبران حزب پان‌ایرانیست با درک نکردن واقعیت کشور، منافع ملی را فدای سیاست غلط حزب خود ساختند.

۷. نتیجه

در جدایی پان‌ایرانیست‌ها از مصدق نمی‌توان روی عامل خاصی انگشت گذاشت و همان‌طور که ذکر شد، عوامل متعددی در آن دخیل بوده‌اند. حزب پان‌ایرانیست بعد از واقعه سی تیر راه خود را از جبهه ملی و شخص مصدق جدا کرد و به سمت دیگری متمایل شد. به نظر می‌رسد دو عامل: الف) تغییرات سمت و سوی وقایع کشور و ب) نادیده گرفتن منافع ملی از سوی دولت مصدق از دیدگاه پان‌ایرانیست‌ها، مهم‌ترین عوامل در جدایی حزب پان‌ایرانیست از جبهه ملی و شخص دکتر مصدق بود.

درست است که حزب پان‌ایرانیست از آغاز فعالیت جبهه ملی و ملی شدن صنعت نفت از این اقدامات حمایت نمود ولی این به معنای حمایت مطلق از شخص مصدق نبود. از نظر آنان منافع ملی بالاتر از همه چیز و همه قدرت‌ها قرار داشت و مهم نبود که

این منافع ملی توسط چه گروه یا کدام قدرت داخلی تأمین شود، بلکه مهم تأمین و حفظ منافع ملی بود. در مورد مصدق و حمایت از وی نیز چنین سیاستی صدق می‌کرد. آنان از اقدام مصدق در جهت ملی کردن صنعت نفت حمایت نمودند، اما در همان حال با دیگر اقدامات و یا خواسته‌های مصدق مخالف بودند. در درگیری بین شاه و مصدق جانب شاه و دربار را گرفتند و از گروهی که طرفدار فروهر و خواهان ادامه ارتباط با مصدق بودند، جدا شدند. جدایی از مصدق به معنی قطع حمایت از جبهه ملی نیز بود که مصدق رهبر واقعی و نمادین آن به شمار می‌رفت. بنابراین، هرچه تقابل مصدق با شاه بیشتر می‌شد، به همان اندازه جدایی پان ایرانیست‌ها از وی فزونی می‌گرفت. با افزایش تقابل مصدق و شاه، پان ایرانیست‌ها متوجه این مسئله شدند که باید میان این دو یکی را برگزینند و از او حمایت کنند و این فرد، شخص شاه بود.

پی‌نوشت

۱. سه مرحله فعالیت‌های پان ایرانیستی از شهریور ۱۳۲۰ تا تشکیل حزب پان ایرانیست به طور مختصر:
(الف) انجمن ایران دوستی: این گروه که به نام انجمن (پایگاه، باشگاه) ایران دوستی شناخته شده است، توسط عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان البرز مانند پرویز صفی‌یاری، فرید سیاح سیانلو، خداداد فرمان فرمائی، ناصر ماضدی، محمدرضا عاملی تهرانی، علینقی عالیخانی، ابوالقاسم پورهایمی، مهدی عبده، محسن پزشکیور، مهدی بهره‌مند تشکیل شد که با گسترش دامنه فعالیت‌ها، مبارزات و تبلیغات برای عضوگیری افراد دیگری چون نادر نادرپور، محمود کشفیان، علیرضا رئیس (که بعداً به رهبری گروه انتخاب شد) داریوش همایون، حسن حق‌نویس، علی زندی، غفوری‌نژاد، جواد تقی‌زاده، فریدون تقی‌زاده، احمد مختاری، حسن علی صارم کلالی، بیژن فروهر، جمشید رحمانی و نستور ولادیکا به آن پیوستند (انقطاع: همان، ۹؛ طالع: ۱۳۸۱، ۳۷). آنها اهداف خود را از تأسیس انجمن در مورد زیر خلاصه کردند: اخراج بیگانگان از کشور، کسب استقلال و آزادی کامل کشور، مبارزه با حزب توده و دیگر گروه‌های طرفدار بیگانه از راه مبارزه نظامی (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۱۴۷۳۰۹۷، روزنامه خاک و خون، شماره ۲۰۳، ۱۳۴۵، ص ۳). کشته شدن علیرضا رئیس، در ۱۵ شهریور ۱۳۲۵، (رزمجو: همان، ۳۵؛ بختیاری: همان، ۳۴) در حالی که مشغول ساخت نارنجک و مین بود و سپس دستگیری چند تن از اعضای انجمن مانند علینقی عالیخانی حسین طیب، بیژن فروهر، از پی این حادثه و حادثه مشابه دیگری که به هنگام سرقت مین از کمپ آمریکائی‌ها برای داریوش همایون و محسن پزشکیور رخ داد و طی آن همایون زخمی شد، باعث تغییر نگرش اعضا، سپس انحلال انجمن شد (کرمانی: ۱۳۸۴، ۲). بنابراین عده‌ای از اعضا چون «محسن پزشکیور، محمدرضا عاملی تهرانی، فرید سیاح سیانلو، علی محمد لشکری، محمد مهرداد و پرویز صفی‌یاری» (انقطاع: همان، ۱۷) به دور هم جمع شدند و در سالروز کشته شدن علیرضا رئیس که آن را مصادف با ۱۵ شهریور ۱۳۲۵ دانسته‌اند، موجودیت گروه جدید خود را که نام سازمان پان ایرانیست بر آن نهادند، اعلام کردند. (ب) سازمان پان ایرانیست: بنیان سازمان

پان‌ایرانیست، کشته شدن علیرضا رئیس در ۱۵ شهریور ۱۳۲۵ را به عنوان روز آغاز فعالیت سازمان خود قرار دادند و هر سال در این تاریخ سالگرد علیرضا رئیس و تأسیس سازمان را گرامی می‌داشتند. (خاک و خون، شماره ۳۶، ۱۳۴۷، ص ۱). از فعالیت‌های سازمان در طی سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ می‌توان به عضوگیری و تبلیغات برای سازمان و برای ایدئولوژی خود اشاره کرد که در اثر این تبلیغات و با توجه به اوضاع کشور بسیاری از جوانانی که دارای انگیزه‌های ملی بودند و از حضور بیگانگان در کشور رضایت نداشتند با پیوستن به این سازمان به فعالیت می‌پرداختند. در این دوره سازمان با نگارش کتابچه‌ای با نام «بنیاد مکتب پان‌ایرانیسم» وارد مرحله سوم، یعنی مکتب شد. (ج مکتب پان‌ایرانیست: می‌توان گفت کار تشکیلاتی و منسجم جنبش پان‌ایرانیستی دقیقاً از همان تاریخ یعنی ۱۵ شهریور ۱۳۲۶ آغاز شد (خاک و خون، شماره ۱۲۹، ۱۳۴۵، ص ۱؛ آرمان ملت ایران، ش ۲۲، سال اول، ص ۳). محسن پزشکی‌پور در سالگرد مرگ علیرضا رئیس، در ضمن انتشار بیانیه‌ای که بعدها به فرمان رئیس معروف شد، از اهداف و آمال مؤسسين سازمان پان‌ایرانیست نام می‌برد و به تعریف این سازمان می‌پردازد (رزمجو: همان، ۳۶-۳۵). وی در جزوه‌ای سی صفحه‌ای با نام «ما چه می‌خواهیم»، آرمان‌ها، اهداف تاریخی و اجتماعی جنبش را به شکل مبسوط بیان می‌کند. مرحله چهارم تبدیل مکتب به حزب است، که پان‌ایرانیست‌ها، آغاز آن را بهمن ماه سال ۱۳۳۰ می‌دانند (عاملی تهرانی: ۱۳۴۷، ۲-۱).

2. Kermit Roozevelt

۳. سومکا، سر واژه یا عبارت مختصرشده حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران بود.
 ۴. Bedamn: این شبکه، از سال ۱۹۴۸ برای مقابله با نفوذ شوروی و حزب توده توسط دولت ایالات متحده آمریکا در ایران، شروع به فعالیت کرد. بدامن که یک برنامه تبلیغاتی و سیاسی بود، از طریق شبکه‌ای به سرپرستی دو ایرانی با نام‌های رمزی Neron و Cilley اداره می‌شد و بودجه سالانه‌ای معادل یک میلیون دلار داشت. شبکه بدامن در بخش تبلیغات مقالات و کاریکاتورهای ضدکمونیستی تهیه و در اختیار جراید ایران می‌گذاشت و نیز کتب و نشریاتی در انتقاد از اتحاد جماهیر شوروی و حزب توده منتشر می‌نمود (ر.ک: مارک گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد ص ۲۷).

منابع

- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، مروارید، تهران، ۱۳۷۱.
 ادیب هروی، محمدحسین، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، چاپ علمی، تهران، ۱۳۳۱.
 اسماعیلی، خیرالله، احزاب سیاسی ایران، طاق بستان، کرمانشاه، ۱۳۷۹.
 بختیاری، شهلا، حزب پان‌ایرانیست به روایت اسناد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
 بزرگمهر، جلیل، تقریرات مصدق در زندان، فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۵۹.
 جامی، گذشته چراغ راه آینده است، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۶۲.
 جزنی، بیژن، تاریخ سی ساله ایران، تهران، مازیار، ج ۱، ۱۳۵۷، ص ۶۲.
 خامه‌ای، انور، خاطرات سیاسی (پنجاه نفر و سه نفر)، گفتار، تهران، ۱۳۷۲.
 رزمجو، علی‌اکبر، حزب پان‌ایرانیست، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
 روزولت، کریمت، کودتا در کودتا، شرکت سهامی خاص، تهران، ۱۳۵۹.

- زارعشاهی، احمدعلی، علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- زعیم، کورش، جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایران، تهران، ۱۳۷۹.
- سنجایی، کریم. خاطرات سیاسی، صدای معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۱.
- شاهدی، مظفر، حزب پان ایرانیست (۱۳۸۸-۱۳۳۰)، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران، ۱۳۸۹.
- طیرانی، بهروز، اسناد احزاب سیاسی ایران، سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۶.
- عاملی تهرانی، محمدرضا، رابطه حکومت و مردم، تهران، انتشارات حزب پان ایرانیست، ۱۳۴۷.
- عظیمی، فخرالدین، بحران دمکراسی در ایران، البرز، تهران، ۱۳۷۲.
- فوران، جان. مقاومت شکننده، مؤسسه انتشارات رسا، تهران، ۱۳۸۳.
- قاسمی، ابوالفضل. تاریخچه جبهه ملی، نشریه حزب ایران، تهران، ۱۳۵۷.
- کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، گفتار، تهران، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸.
- کرمانی، رضا، با پان ایرانیستم و حزب پان ایرانیست آشنا شویم، شماره ۳، تشکیلات کرج، کرج، انتشارات حزب پان ایرانیست، ۱۳۸۴.
- کوهستانی نژاد، مسعود، حزب ایران و مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها، شیرازه، تهران، ۱۳۷۹.
- کیانفر، سید نوری، زمان‌های سوخته، مه، تهران، ۱۳۸۴.
- گازیوروسکی، مارک، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸.
- گازیوروسکی، مارک، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۱.
- متینی، جلال، نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر مصدق، شرکت کتاب، تهران، ۱۳۸۴.
- رجال عصر پهلوی، (کتاب اول)، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۸۵.
- مکی، حسین، خلع ید (کتاب سیاه)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
- مهربان، رسول، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری انقلابی ایران، پیک ایران، تهران، ۱۳۶۵.
- نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸.
- نجاتی، غلامرضا، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۸.
- نجمی، ناصر، مصدق مبارز بزرگ، کلینی، تهران، ۱۳۵۹.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسناد احزاب سیاسی در ایران، جلد سی و یکم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.

وطن‌دوست، غلامرضا، اسناد سازمان سیا و کودتای ۲۸ مرداد، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۹.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سرنوشت یاران دکتر مصدق، ج ۲، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۸۴.
مصاحبه با رضا کرمانی، ۸۷/۴/۲۰.

مصاحبه ناصر تکمیل همایون: مورخ ۸۷/۳/۱۳.

مصاحبه با هوشنگ طالع، مورخ ۸۷/۴/۱۹ و ۸۷/۴/۲۱ و ۸۷/۶/۲۱.

باختر امروز، شماره ۸۶۵، سال ۱۳۳۱ و شماره ۸۷۱، ۶ شهریور ۱۳۳۱ و شماره ۷۳، ۲ آبان ۱۳۲۸.
تهران مصور، سال ۱۳۳۱.

خاک و خون، ش ۱۴۸، سال ۱۳۴۵.

سازمانی، شماره ۲۹، ۲۳ اسفند ۱۳۲۹ و شماره ۳۵، ۲۷ مرداد ۱۳۳۰.

کیهان، دوشنبه ۱۳۶۱۳۷۷، ص: ۸.

ندای پان‌ایرانیست، شماره ۲۵، ۱۴ تیر ۱۳۳۱ و شماره ۴۲، آبان ۱۳۳۱ و سال دوم شماره ۳۴،
۱۳۳۱/۶/۸ و شماره ۳۹، ۲۶ مهر ۱۳۳۱ و شماره ۳۱، ۱۸ مرداد ۱۳۳۱.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد شماره ۰۱۴۶۷۰۰۹ و ۶۲۱۳۵۵۱۷.

مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد شماره ۹۱۳۵۵۱۷ و ۱۵۱۳۵۶۱۷.

سازمان اسناد ملی، اسناد شماره ۱۲۹۷۰ و ۸۷۵۱۰.

Archive